



بررسی سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان: با تأکید بر عوامل داخلی و بین‌المللی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱*



محمداعظم طارق**، دکتر رضا سیمبر***، دکتر سجاد بهرامی مقدم****

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

حضور ترکیه در افغانستان پس از ۲۰۰۱ حاکی از هوشمندی سیاست آنکارا در قبال کابل بود. در چارچوب این سیاست ترکیه تلاش کرد تا قدرت اقتناع، محبوبیت و جذابیت خود در افغانستان را گسترش داده و از این طریق پیگیر منافع ملی خود شود. پرسش اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ چیست و چه عواملی بر حضور این مؤلفه‌ها مؤثر بوده‌اند؟ مواد خام این مقاله با شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و با روش توصیفی-تحلیلی پردازش شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که راهبرد ترکیه متأثر از فضای پست مدرنیستی سیاست و پذیرش تحول در معنای آن بوده که در قالب پارامترهایی چون کمک‌های بشردوستانه، پروژه‌های اقتصادی-تجاری، اثرگذاری بر شخصیت‌های قومی و سیاسی و میانجیگری اعمال شد. ارزش‌های هویت مدار داخلی افغانستان و ترکیه و سازه‌های منفعت محور مشترک، درک رهبران هر دو کشور از تهدیدها و فرصت‌ها و بدین ترتیب فضای دینامیک نظام بین‌الملل از عوامل تسهیل کننده این سیاست بودند. نتیجه کلی مقاله نشان می‌دهد که شرایط داخلی بین‌المللی از عوامل مؤثر بر هوشمندی این سیاست در قبال افغانستان بوده است. این سیاست در بازه زمانی ذکر شده ترکیبی از کاربرد همه عناصر سخت و نرم سیاست نظیر استفاده از ظرفیت‌های فرهنگی، سیاسی، نظامی، دیپلماتیک، تجارت و کمک‌های اقتصادی بوده است.

کلیدواژگان

افغانستان، ترکیه، ۱۱ سپتامبر، سیاست خارجی، سیاست هوشمند

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل محمداعظم طارق با راهنمایی دکتر رضا سیمبر است.

** دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان.

*** استاد گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان. / نویسنده مسئول / ایمیل: simber@guilan.ac.ir

**** استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان.

مقدمه

استراتژی ترکیه در قبال افغانستان تا سال ۲۰۰۱ عمدتاً مبتنی بر رئالیسم کلاسیک بود؛ اما تحولات بین‌المللی بعد از آن و عدم کارایی سیاست سخت و نرم صرف، رهبران نسل جدید این کشور را به سمت بهره‌گیری از منابع متعدد سیاست و ترکیب هوشمندانه آن‌ها در قبال افغانستان هدایت کرد. در پرتو این تحولات، ترک‌ها دریافتند برای ماندگاری در صحنه‌های بین‌المللی و دستیابی به اهداف، مصالح و منافع ملی خود باید ویرای استفاده از سیاست سخت به‌عنوان یک ابزار مهم بازدارندگی، ابزارها و منابع خود را در حوزه‌های سیاست نرم و هوشمند نیز ارتقا داد. از همین رو، با قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه در سوم نوامبر ۲۰۰۲ یک دگرگونی اساسی در استراتژی منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه به وجود آمد. بعد از این سال، ترکیه سیاست خارجی خود را بر اساس رئالیسم اخلاقی تعریف کرد که بر کاربرد سیاست برای اهداف خیرخواهانه و کمک‌های بشردوستانه تاکید دارد.

یکی از مسائل مهم در ارتباط با استراتژی جدید ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه نفوذ تدریجی و آرام این کشور در منطقه بود که عمدتاً از طریق سیاست هوشمند پیگیری شد. حرکت جریان سیاست از منابع سخت آن یعنی اجبار، تهدید و استفاده از ابزارآلات نظامی به سمت اقناع، تولید جذابیت و استفاده از ابزارهایی مانند ارزش‌های فرهنگی و سیاسی و مطلوبیت‌های سیاست خارجی، به سیاست هوشمند تعبیر می‌شود. اسلام‌گرایان ترک باتوجه به نگاهی که به شرق و به گسترش قلمرو سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی ترکیه داشتند، به افغانستان به‌عنوان یک فرصت جهت پیگیری ایده‌های بلند پروازانه خود در این کشور نگاه می‌کردند. از همین رو، آنکارا پس از ۲۰۰۲م به شکل فزاینده‌ای تلاش کرد تا از طریق انجام یکسری اقدامات متمرکز در جهت ایجاد تعاملات سیاسی، امنیتی، اقتصادی و توسعه‌ای، فرهنگی و نظامی با افغانستان محبوبیت، جذابیت و حوزه نفوذ خود را در این کشور افزایش دهد.

هدف از پژوهش حاضر تبیین و تحلیل مؤلفه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان و عوامل مؤثر بر آن در چارچوب تئوری ژوزف نای می‌باشد. پرداختن به این موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که تا قبل از ۲۰۰۱ ترکیه چشم‌انداز روشنی برای نقش آفرینی در تحولات افغانستان نداشت؛ اما پس از آن این کشور حضور گسترده‌ای در افغانستان پیدا کرد. پرسش اصلی مقاله این است که مؤلفه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ چیست و چه عواملی بر حضور این مؤلفه‌ها مؤثر بوده‌اند؟ فرضیه مقاله این است که شاخص‌های فرهنگی و ایدئولوژیک، فعالیت‌های سیاسی و دیپلماتیک، حضور نظامی و همزمان ارسال کمک‌های بشردوستانه، اجرای پروژه‌های اقتصادی و برنامه‌های تجاری، اثرگذاری بر شخصیت‌های قومی و سیاسی، میانجیگری و بی‌طرفی نسبی در مسایل سیاسی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست هوشمند ترکیه پس از سال ۲۰۰۱ در افغانستان به شمار می‌رود. عوامل داخلی آنکارا و کابل و تحولات بین‌المللی ناشی از رخداد یازدهم سپتامبر از عواملی بودند که چنین بستری را فراهم کرده بود. برای تحلیل این فرضیه از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده و شیوه گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای-اسنادی می‌باشد.

۱- پیشینه

بررسی‌های نویسندگان نشان می‌دهد که در خصوص مقوله «سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان» تاکنون اثر علمی معتبری نوشته نشده و مقالاتی هم که در مورد سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان در قید تحریر در آمده به این مبحث نپرداخته‌اند. به‌عنوان نمونه می‌توان کتب و مقالات زیر را نام برد:

اولین اثر، مقاله «تبیین دیپلماسی فرهنگی ترکیه در افغانستان در دوران حزب عدالت و توسعه» است. این مقاله ضمن پرداختن به پیشینه تاریخی روابط افغانستان و ترکیه، دیپلماسی فرهنگی ترکیه در دوران حزب عدالت و توسعه و نقش جغرافیای سیاسی و استراتژیک ترکیه را مورد بررسی قرار داده است. اگرچه نویسندگان در این مقاله جلوه‌های نرم سیاست ترکیه را بررسی کرده‌اند؛ اما عناصر سخت و هوشمند آن در این مقاله مغفول است (Hajimineh et al., 2021).

اثر دیگر کتاب «سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان پس از ۲۰۰۱» ظاهرأ این کتاب تلاشی است در جهت بررسی سیاست خارجی ترکیه در قبال افغانستان و ابزارهایی که این کشور در اعمال این سیاست در بازه زمانی ذکر شده از آن استفاده کرده است؛ اما در داخل کتاب کمتر به این مسأله پرداخته شده و بیشترین مباحث اصلی و فرعی کتاب حول دیپلماسی ترکیه در قبال کشورهای منطقه و جهان می‌چرخد (سپین غر، ۱۳۹۷)؛ (Spinghar, 2017).

اثر دیگر دارای عنوان «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر افغانستان در دوران اردوغان» است. نویسندگان این اثر در چارچوب دیپلماسی عمومی به بررسی حضور عناصر نرم سیاست خارجی ترکیه در افغانستان و چالش‌های آن پرداخته و به عناصر سخت و هوشمند اشاره‌ای نکرده است (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶)؛ (Jafari et al., 2016).

اثر دیگر، «مجموعه‌ای مقالات صدسالگی روابط افغانستان و ترکیه» است. این مجموعه که شامل ۱۵ مقاله می‌باشد، در شماره پنجاهم فصلنامه «مطالعات استراتژیک» وزارت امور خارجه افغانستان به نشر رسیده است. محورهای اصلی مقالات این مجموعه تبیین کمیت و کیفیت روابط افغانستان و ترکیه از ۱۹۲۱ به بعد می‌باشد. مقالات این مجموعه اکثراً فاقد چارچوب‌های نظری و ویژگی‌های علمی پژوهشی می‌باشند.

مقاله دیگر دارای عنوان «رویکرد منطقه‌ای ترکیه در افغانستان: یک قدرت غیرنظامی در عمل» است. این مقاله پارامترهای ستی روابط آنکارا و کابل و همچنان رویکردهای غیر نظامی و بشردوستانه ترکیه در افغانستان را بررسی کرده است. همچنان در این مقاله به نقش ترکیه در میانجیگری در حل مناقشات افغانستان (روند استانبول) و همچنان به نقش افغانستان در تأمین روابط ترکیه و ایالات متحده آمریکا پرداخته است (Kardaş, 2013).

عناوین و محتواهای این آثار نشان می‌دهد که هیچ کدام آن‌ها به جلوه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان و عوامل مؤثر بر آن در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ به طور مستقل نپرداخته‌اند. در نظر است که این خلاء با بررسی و رویکرد جدید، در این مقاله مرتفع گردد.

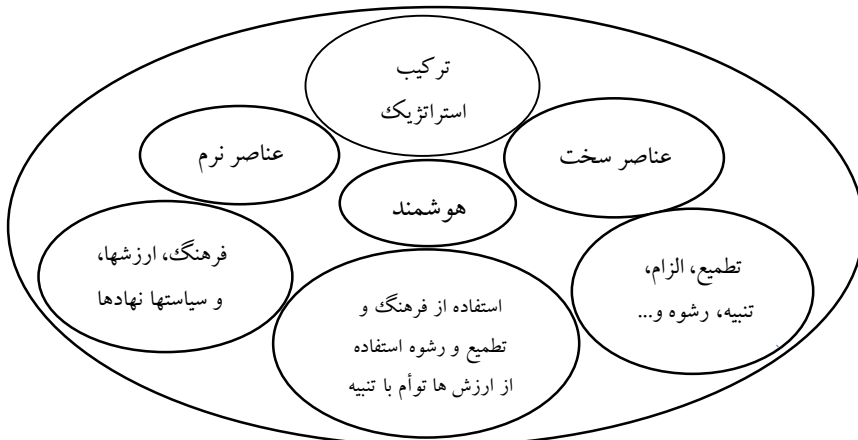
۲- چارچوب نظری

سیاست هوشمند برای اولین بار توسط سوزان ناسل و سپس ژوزف نای مطرح شد. از نظر ناسل تداوم برتری یک کشور زمانی تضمین می‌شود که کلیه منابع اجباری و اقناعی از قبیل توانایی‌ها نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک در یک جهت هماهنگ شوند (Nussle, 2004). علت مطرح شدن این سیاست ناکارآمدی و محدودیت به کارگیری سیاست سخت و نرم است. ژوزف نای در خصوص عدم کارایی قدرت سخت صرف می‌گوید: «منابع قدرت به‌عنوان یک متغیر میانی نقش حساس و تعیین کننده‌ای در نتایج دلخواه دارد؛ اما برخورداری از منابع قدرت، همواره و در همه شرایط ضامن کسب نتایج دلخواه نمی‌باشد. از ملزومات تبدیل شدن منابع به قدرت ملموس و در نتیجه کسب نتایج دلخواه این است که راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه وجود داشته باشد. آنچه من آن را قدرت هوشمند می‌دانم» (Nye and Landman Goldsmith, 2011: 30).

از طرف دیگر تحولات عصر جدید و دوران ارتباطات گسترده و فناوری‌های نوین و شبکه‌ای شدن ارتباطات در حوزه‌های عمومی و خصوصی، اعمال قدرت را با شیوه‌های جدید امکان پذیر کرده است. بنابراین موفقیت در مدیریت این شبکه‌ها، در شرایط جهانی شدن منوط به استعداد، هوش محیطی و اشکال نوین قدرت است. لذا می‌توان از سیاست هوشمند به «تحولی شهودی» در موضوع قدرت تعبیر کرد. مخاطبان اصلی قدرت هوشمند دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذینفوذ و نهادهای حکومتی می‌باشند (Wilson, 2008: 111).

سیاست هوشمند برآیند نقاط قوت و حذف نقاط ضعف در قدرت سخت و نرم است. نای در مثالی از کشور چین می‌گوید: «چین با تلفیق پویایی قدرت سخت و خوانشی جذاب از قدرت نرم، چشم به سیاست هوشمند دوخته، در پی القای مفهوم جست آرام خود بود و در نتیجه جویای موازنه با قدرت رقیب» (Nye & Landman Goldsmith, 2011: 10). از نظر وی در سیاست هوشمند توانایی نظامی بازتعریف می‌شود. قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی همگام است؛ اما زمانی که قدرت سخت از طریق رویه‌های نرم به کار رود، سیاست هوشمند تولید می‌نماید (Nye, 2004: 37).

از نظر نای قدرت نرم صرف، حلال همه مشکلات نیست. تماشای فیلم‌های هالیوودی توسط کیم ایل جونگ، رهبر کره شمالی، هیچ سایه‌ای بر برنامه تسلیحات هسته‌ای این کشور نینداخته است (Nye and Landman Goldsmith, 2011: 15). می‌توان گفت که سیاست هوشمند، سیاستی پایدار است؛ زیرا در ذات خود پتانسیل استفاده از ابزارهای سخت، نرم و همین‌طور هوشمندی همه‌جانبه‌نگر و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی را دارد. سیاست هوشمند، به نحو استراتژیکی از دیپلماسی، اغوا، ایجاد ظرفیت‌ها، نمایش قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی و اعمال نفوذهای امپریالیستی به نحو موثری استفاده به عمل می‌آورد، که در عین حال به‌جای تعرض نظامی به صورت تاکتیکی، با مشروعیت سیاسی و اقتصادی همراه است (باقری‌چوکامی، ۱۴۷-۱۴۶)؛ (Bagheri Chukami, 2010: 147-146).



شکل ۱. الگوی تحلیلی سیاست هوشمند بر اساس تئوری نای و ناسل

Figure 1. Analytical model of smart policy based on Nye and Nasel's theory

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Authors, 2023)

باتوجه به این الگو هوشمندی سیاست در آن است که از منابع سخت برای اهداف نرم و خیرخواهانه استفاده شود و استراتژی ترکیه در قبال افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ دقیقاً دارای ماهیت هوشمند بوده است. حضور جلوه‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیک آنکارا در کابل از عناصر تشکیل دهنده این سیاست بود.

۳- تاریخچه روابط ترکیه و افغانستان

روابط آنکارا و کابل به دوران خلافت عثمانی بر می‌گردد. ترکیه به دلیل میراث داری از خلافت، از نفوذ معنوی در جهان اسلام برخوردار است. این نفوذ باعث شده تا حاکمان عثمانی، با وجود فاصله جغرافیایی در افغانستان نفوذ سیاسی داشته باشند. یکی از عوامل تأثیرگذار بر افکار سید جمال‌الدین افغانی که حرکت روشنفکرانه را در افغانستان راه اندازی کرد، الهام‌گیری وی از خلافت عثمانی بود. باوجود آن که خلافت عثمانی در جنگ جهانی اول تقریباً تمام مستعمرات خود را در شمال آفریقا و سایر مناطق از دست داده بود؛ اما در افغانستان، سلطان عثمانی قبل و در طول جنگ جهانی اول رسماً به‌عنوان خلیفه تلقی می‌شد. با تاسی از همین پیوند تاریخی پس از فروپاشی خلافت شاه امان‌الله مقدرات خلافت، مقدرات اسلام و مقدرات ملت را برای مردم افغانستان یکسان تلقی کرده و «خواهان احیای خلافت اسلامی با محوریت افغانستان می‌شود» (آدمک، ۱۳۴۹: ۱۸۱)؛ (Ademak, 1971: 181).

سیاست هوشمند، به نحو استراتژیکی از دیپلماسی، اغوا، ایجاد ظرفیت‌ها، نمایش قدرت نظامی، اقتصادی و سیاسی و اعمال نفوذهای امپریالیستی به نحو موثری استفاده به عمل می‌آورد، که در عین حال به‌جای تعرض نظامی به صورت تاکتیکی، با مشروعیت سیاسی و اقتصادی همراه است (باقری چوکامی، ۱۳۸۹: ۱۴۷-۱۴۶)؛ (Bagheri Chukami, 2010: 147-146). همچنان محمود طرزی،

به ترجمه و نشر آثار نویسنده‌های ترک در نشریه «سراج الاخبار» پرداخت. این نشریه در زمان جنگ جهانی اول بیشترین تأثیر را در برانگیختن مردم علیه بریتانیا و به نفع ترکیه داشت و نیز محی‌الدین انیس اولین روزنامه افغانستان «انیس» را منتشر ساخت، از فضای آموزشی، سیاسی و امکانات فنی خلافت عثمانی بهره‌مند گردید. در اواخر دهه ۱۹۱۰، دانشجویان افغانستان که در آناتولی تحصیل می‌کردند، به جنگ استقلال ترکیه پیوستند و به شهادت رسیدند. زنان افغان نیز با اهداء زیورات شان بخاطر مبارزه استقلال ترکیه، به مردم ترکیه کمک کردند (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۷۰)؛ (Farhang, ۱۹۹۲: ۴۷۰).

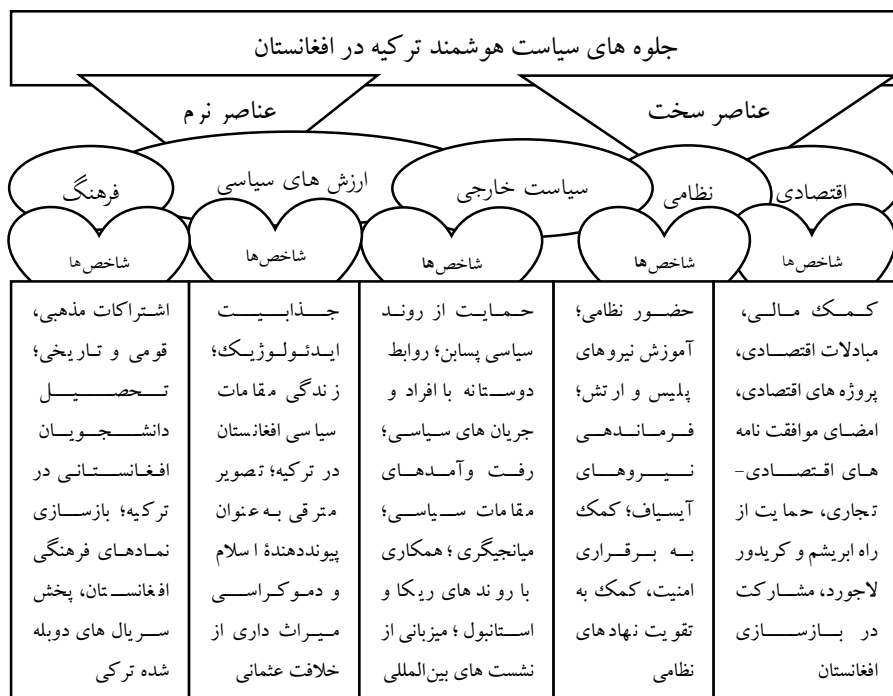
شاه امان‌الله، در مراسمی که در اکتبر ۱۹۲۲ به مناسبت پیروزی جنگ استقلال ترکیه در کاخ دلکشا در کابل برگزار گردیده بود، گفت: «ترک‌ها و افغان‌ها برادر هستند. شادی ترک‌ها شادی ما است؛ غم و اندوه آن‌ها غم و اندوه ماست» (وکیلی‌پوپلزایی، ۱۳۷۹: ۱۷۰)؛ (Wakily Popalzai, 2000: 170). یکی از اولین قطعنامه‌هایی که توسط حکومت آنکارا به تصویب رسید، راجع به گشایش نمایندگی دیپلماتیک در کابل بود. بر اساس این قطعنامه، «آقای عبدالرحمن صمدان، در سال ۱۹۲۰ به‌عنوان نماینده ترکیه در افغانستان توظیف شد. سفارت ترکیه اولین مأموریت دیپلوماتیک در کابل شد» (فاضل، ۱۳۹۹: ۱۹۰-۱۹۵)؛ (Fazil, 2019: 190). در ۱۰ ژون ۱۹۲۱، سفارت افغانستان در آنکارا افتتاح شد و آتاتورک خود پرچم افغانستان را برافراشت. امان‌الله خان اولین رئیس دولت خارجی بود که در ماه می ۱۹۲۸ به ترکیه سفر کرد. ترکیه همچنین در این سفر اولین توافقنامه همکاری فنی خود را امضا کرد. هنگامی که آتاتورک در ۱۹۳۸ درگذشت، افغانستان تنها کشوری بود که به طور رسمی یک هفته عزای عمومی را با پرچم‌های نیمه برافراشته اعلام کرد (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۸)؛ (Marjani Nejad, 2019).

بدین ترتیب بعد از جنگ جهانی دوم، ترکیه نقش مهمی در ایجاد ساختارهای مدرن دولتی افغانستان ایفا کرد. سفر ظاهر شاه به ترکیه در سپتامبر ۱۹۵۷ و دیدار عدنان مندرس در ژوئن ۱۹۵۶ از کابل و به دنبال آن سفر جلال بایار در سپتامبر ۱۹۵۸ (فرهنگ، ۱۳۷۱: ۴۷۶)؛ (Farhag, 1992: 476) نشان از پیشینه تاریخی روابط هر دو کشور دارد. این همکاری تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت. پس از آن به دلیل اشغال افغانستان توسط شوری روابط آنکارا و کابل فقط در باز بودن سفارت محدود بود. با تأثر از این ادراکات مشترک تاریخی بلافاصله پس از دستیابی افغانستان به استقلال سیاسی در ۱۹ اوت ۱۹۱۹، ترکیه دومین کشوری بود که پس از شوروی، موجودیت جمهوری افغانستان را به رسمیت شناخت. متقابلاً افغانستان نیز دومین کشوری بود که پس از شوروی، جمهوری جدید ترکیه را در ۱۹۲۱ به رسمیت شناخت. امضای توافقنامه اتحاد آنکارا و کابل در مسکو در مارس ۱۹۲۱، امضای پیمان دوستی پایدار و همکاری سیاسی و اقتصادی بین دو کشور در پی دیدار امان‌الله خان با مصطفی کمال آتاتورک در می ۱۹۲۸ و اشتراک هر دو کشور به همراه عراق و ایران در پیمان سعدآباد (پیمان عدم تجاوز) در ژوئیه ۱۹۳۷ (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۱)؛ (Jafari et al., 2016: 11) از مهم‌ترین تحولات تاریخی در روابط آنکارا-کابل به شمار می‌روند.

۴- مؤلفه‌ها و عوامل هوشمندی سیاست ترکیه در افغانستان

۴-۱- مؤلفه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان

پاز چشم انداز تحلیل‌های سوزان ناسل و ژوزف نای هوشمندی سیاست زمانی عینیت پیدا می‌کند که کلیه منابع اجباری^۱ و اقناعی^۲ سیاست یک کشور، از قبیل: حضور نظامی، برنامه‌های اقتصادی، سازه‌های فرهنگی و ظرفیت‌های ایدئولوژیک در یک جهت (برای رسیدن به هدف) هماهنگ شوند (محسنی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۰)؛ (Mohseni et al., 2017:110). حضور ترکیه در افغانستان پس از ۲۰۰۱ دقیقاً داری همین ماهیت بود.



شکل ۲. الگوی تحلیلی جلوه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان بر اساس نظریهٔ ژوزف نای و ناسل

Figure 2. Analytical model of symbols of Türkiye's smart policy in Afghanistan (2021-2023)

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Authors, 2023)

باتوجه به این الگو، می‌توان جلوه‌های سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان را در مؤلفه‌های ذیل

تحلیل کرد:

۴-۱-۱- مؤلفهٔ فرهنگی

استفاده از دیپلماسی فرهنگی مهم‌ترین روشی بود که ترکیه پس از ۲۰۰۱ در افغانستان به کار برد.

^۱. Coercive

^۲. Convincing

این دیپلماسی ریشه در پیشینه عثمانی‌گرایی در جهان اسلام و نفوذ معنوی در افغانستان دارد. ترکیه با رویکردهایی چون اعطای بورس‌های تحصیلی، آموزش کارمندان دولتی، بهره‌گیری از رایزنی فرهنگی، آموزش زبان ترکی استانبولی توانست سیاست نرم خود در افغانستان را بیش از هر زمان دیگر گسترش دهد. افزون بر آن سریال‌های دوبله شده ترکی به میزان چشمگیری از رسانه‌های افغانستان، نشر می‌شد (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۸)؛ (Marjani Nejad, 2019).

آژانس همکاری و توسعه بین‌المللی ترکیه (تیکا)، بنیاد یونس آمراه، «بنیاد تسکین انسانی» و گروه بازسازی ولایتی (پی.آر.تی) از نهادهای ترکی بودند که کار فرهنگی در افغانستان می‌کردند. (سلحشور، ۱۳۹۳)؛ (Salahshur, 2013). بازسازی مدارس و مساجد، ایجاد مراکز آموزشی، حمایت از خانواده‌های بی‌بضاعت و حمایت از ادبیات ترکی در دانشگاه‌های افغانستان. (Özel, 2018: 238) ایجاد آموزش‌های کوتاه مدت پرستاری و تدویر آموزش‌های مسلکی برای جوانان و ... (Khumchany, 2019: 57) از کارکردهای عمده این نهادها بود. همچنان از نهادهای آموزشی پیش‌تاز در افغانستان مدرسه‌های افغان-ترک هستند، که از سال ۱۹۹۵ به بعد در کشور فعالیت دارند. از این مدارس سالانه حدود ۵۰۰۰ دانش‌آموز را فارغ می‌شود (Khumchany, 2019: 66). حضور این مؤلفه‌ها به‌عنوان جلوه‌های قدرت نرم از اجزای مهم سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان محسوب می‌شود.

۲-۱-۴- مؤلفه اقتصادی

ترکیه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ در حدود یک میلیارد دلار به افغانستان کمک بلاعوض اعطا کرده است (آرزو، ۱۳۹۹: ۴۰). سازمان تیکا تا ۲۰۱۹، ۷۹۴ پروژه را در افغانستان مدیریت کرده است (Kaya, 2019: 108). ارائه خدمات بهداشتی (Özel, 2018: 240). بازسازی جاده‌ها، پل‌ها، یتیم‌خانه‌ها و مدارس از فعالیت‌های تیکا در افغانستان بود (Khumchany, 2019: 56). علاوه بر تیکا تیم بازسازی ولایتی ترکیه (پی.آر.تی) نیز در افغانستان فعالیت اقتصادی داشت. فعالیت این تیم که در ۲۰۱۰، توسط احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه وقت ترکیه افتتاح شد، ولایت‌های جوزجان و سرپل را تحت پوشش قرار می‌داد و ریاست آن را یک دیپلمات وزارت خارجه آن کشور به عهده گرفت (Kaya, 2019: 100).

بدینسان ۱۲۷ پیمان کار (شرکت خصوصی) ترکی نیز در افغانستان حضور داشت. طبق اظهارات فاتح متین معاون وزیر اقتصاد ترکیه در سال ۲۰۱۷ پیمانکاران ترکیه بین سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۱۶، ۶۲۷ پروژه اقتصادی و عمدتاً بازسازی را به ارزش ۶ میلیارد دلار در افغانستان اجرا کرده‌اند (سلحشور، ۲۰۱۷)؛ (Salahshur, 2017). همچنان موافقت‌نامه‌های مختلفی در عرصه اقتصادی بین

¹ Turkish Cooperation and Coordination Agency

² Türk İşbirliği ve Kalkınma İdaresi Başkanlığı

³ Internationale Humanitäre Hilfsorganisation

⁴ Provincial Reconstruction Team

آنکارا و کابل به امضاء رسیده بود. از جمله موافقت‌نامه ترانزیتی و تجاری (Khumchany, 2019) (54) موافقت‌نامه تشویق و حمایت متقابل سرمایه‌گذاری میان دو کشور، تفاهمنامه همکاری در بخش معادن و صنایع و... (مرجانی‌نژاد، ۱۳۹۴)؛ (Marjani Nejad, 2016) تفاهم‌نامه اعمار فاز دوم بند کجکی (شهر، ۱۳۹۵)؛ (Shahir, 2015) و همچنان ترکیه از فرصت‌های تجاری در منطقه و پروژه جدید راه ابریشم حمایت نمود. در کنار پروژه جدید راه ابریشم و حضور آنکارا و کابل، ترکیه بخشی از موافقت‌نامه بازرگانی و ترانزیتی راه لاجورد نیز بود که در نومبر ۲۰۱۶ میان وزرای خارجه افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، ترکیه و گرجستان امضا شد (شهر، ۱۳۹۷)؛ (Shahir, 2017). حضور این مؤلفه‌ها به عنوان جلوه‌های نرم سیاست ترکیه در افغانستان، بیانگر نگاه هوشمندانه ترکیه در عرصه سیاست خارجی و یک حرکت استراتژیک در راستای ارتقای جایگاه خود در منطقه و پیگیری منافع ملی خود در افغانستان بود.

۳-۱-۴- مؤلفه دیپلماتیک

ترکیه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ همواره کوشید تا در چارچوب پرنسیپ‌های دیپلماتیک روابط خود با افغانستان را در حد متعادل آن دوستانه نگهدارند. باز نگهداشتن سفارت در کابل و ارائه خدمات فرهنگی و کنسولی در افغانستان از نمونه‌های روابط میان دولت افغانستان و ترکیه بود. ترکیه در تلاش بود تا از طرق دیپلماتیک نفوذ خود در افغانستان را گسترش داده و با کمترین هزینه پیگیری اهداف و منافع ملی خود در این جغرافیا باشد. این تلاش همان قدرت نرمی است که از سوی دولت‌ها از طریق ارتقای میزان مشروعیت نظام سیاسی در افکار عمومی جهان، کسب پرستیژ بین‌المللی و مدیریت افکار عمومی جهانی پیگیری می‌شود.

به رسمیت شناختن حکومت حامد کرزی، مشارکت در کنفرانس‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط به افغانستان و از همه مهم‌تر بهبود مناسبات دو جانبه و دیدار مقامات ارشد دو کشور از خاک یکدیگر از مهم‌ترین جلوه‌های دیپلماتیک ترکیه در افغانستان می‌باشد. پس از فروپاشی طالبان در ۲۰۰۱ اسماعیل جم - وزیر امور خارجه جمهوری ترکیه - نخستین وزیر امور خارجه یک کشور خارجی بود که جهت بازگشایی مجدد سفارت ترکیه به کابل سفر کرد (Kaya, 2019: 90). سفر حامد کرزی به ترکیه در ۲۰۰۲، دیدار رجب طیب اردوغان از افغانستان در ۲۰۰۵، دیدار عبدالله گل از افغانستان در ۲۰۰۷ و همچنان سفرهای اشرف غنی و عبدالله عبدالله به ترکیه از نمونه‌های توسعه روابط دیپلماتیک افغانستان و ترکیه محسوب می‌شود.

یکی از کنش‌های دیپلماتیک که ترکیه در قبال افغانستان میانجیگری بین اشرف غنی و جنرال دوستم، میانجیگری بین دولت افغانستان و گروه طالبان بود؛ اما دینامیک‌های ژئوپلیتیکی ناپایدار منطقه، تلاش‌های ترکیه در جهت متقاعد کردن طالبان برای ورود به مذاکرات صلح با دولت افغانستان را عقیم نمود. در همین راستا ترکیه از نشست س‌جانبه ترکیه، افغانستان و پاکستان، به منظور به حل اختلافات در زمینه «خط دیورند»، پناه‌جویان افغانستان و طالبان نیز میزبانی کرده است (Kardaş, 2012).

کنش دیپلماتیک دیگر ترکیه در قبال افغانستان میانجیگری بین اشرف غنی و جنرال دوستم،

بین دولت افغانستان و طالبان بود؛ اما دینامیک‌های ژئوپلیتیکی ناپایدار منطقه، تلاش‌های ترکیه در جهت متقاعد کردن طالبان برای ورود به مذاکرات صلح با دولت افغانستان را عقیم نمود. در همین راستا ترکیه از نشست سه‌جانبه‌ای را به منظور حل اختلاف مسأله «خط دیورند»، پناه‌جویان افغانستان و طالبان نیز میزبانی کرده است (Kardaş, 2012). این نشست‌ها که از سال ۲۰۰۷ به بعد میان مقامات ارشد سیاسی و نظامی ترکیه، افغانستان و پاکستان برگزار شده بود، منجر به شکل‌گیری «فرایند آنکارا» شد. دستورکار این نشست‌ها به تناسب وضعیت و شرایط سه کشور و روند تحولات منطقه، موضوعات مختلفی همچون مسائل سیاسی، مناسبات اقتصادی، چالش‌های امنیتی، آموزش و... را شامل می‌شد (کوزه‌گر کالجی و سوری، ۱۳۹۰: ۶)؛ (Kozakalijy and sury, 2010: 6). همچنان ترکیه روند استانبول-قلب آسیا را نیز راه‌اندازی کرده است. هدف این روند برجسته ساختن نقش محوری افغانستان به‌عنوان پل ارتباط میان جنوب آسیا و آسیای مرکزی و نیز چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این منطقه بود (بارز، ۱۳۹۵)؛ (Bariz, 2015).

بدین ترتیب ترکیه در ابتکار مهم منطقه‌ای ریکا نیز شرکت داشت (تمنا، ۱۳۹۳: ۴۸۹)؛ (Tamna, 2013: 489). هرچند هر یکی از این ابتکارهای سه‌گانه دارای ماهیت اقتصادی بوده و با هدف استفاده از موقعیت ژئواکونومیک افغانستان برای تقویت ارتباطات زمینی و تجارت منطقه‌ای و بین منطقه‌ای به ویژه بین آسیای مرکزی و آسیای جنوبی طراحی شده بود؛ اما نفس اتخاذ تصمیم در مورد عملی شدن آن‌ها ژستی دیپلماتیک و تعاملی دولت با دولت محسوب می‌گردد.

۴-۱-۴- مؤلفه نظامی-امنیتی

بعد از سقوط طالبان در ۲۰۰۱ ترکیه مطابق فیصله‌نامه شماره ۱۳۸۶ شورای امنیت سازمان ملل متحد تعدادی ۲۸۷ تن از نظامیان خود را در چارچوب نیروهای «آیساف» به کابل اعزام کرد. بعدها تعداد این نیروها به بیشتر از ۱۳۱۳ تن افزایش یافت (Kaya, 2019: 94). در آغاز ترکیه در قالب نیروهای ناتو وارد افغانستان شده بود؛ اما پس از تشکیل آیساف در ۲۰۰۱ ترکیه به‌عنوان یکی از اعضای ناتو، با آیساف در راستای کمک به برقراری امنیت در کابل همکاری کرد. هرچند فعالیت نیروهای ترکی بر خلاف سایر اعضای ناتو، تنها در بخش غیرنظامی آیساف متمرکز بود؛ اما ترکیه از ژون ۲۰۰۲ تا فوریه ۲۰۰۳ و نیز از فوریه تا اکت ۲۰۰۵، دو بار فرماندهی نیروهای آیساف را برعهده گرفت (Khumchany, 2019: 57).

پس از پایان کار آیساف در دسامبر ۲۰۱۴ ترکیه در قالب آر. اس. ام که از ۱ ژانویه ۲۰۱۵ آغاز به کار کرد (پارسا، ۱۳۹۶)؛ (Parsa, 2016). در افغانستان فعالیت کرد. بدینسان ترکیه سربازان افغان را آموزش دادند. برخی از سربازان را برای دوره‌های نظامی، در ترکیه نیز تحت آموزش قرار دادند (Özel, 2018: 258). همچنان در ۲۰۰۳ «حکمت‌چتین» وزیر امور خارجه پیشین ترکیه به‌عنوان اولین نماینده ارشد غیرنظامی ناتو در افغانستان منصوب شد. در ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ نیز دیپلمات دیگر ترک به نام «اسماعیل آراماز»، این پست را عهده دار شد (Khumchany, 2019: 49) در همین راستا قرار بود ترکیه مسئولیت حفاظت از فرودگاه کابل را پس از خروج آمریکا و ناتو از افغانستان نیز به عهده گیرد؛ اما به دلیل مخالفت شدید طالبان انجام نشد.

۲-۴- عوامل هوشمندی سیاست ترکیه در افغانستان

به نظر می‌رسد حضور ترکیه در افغانستان پس از ۲۰۰۱ که با رویکرد دوگانه فیزیکی و ایدئولوژیک عینیت پیدا کرده بود، ناشی از نگرش عثمانی‌گری و پر کردن خلاء ژئوپلیتیک باشد. در کنار آن دو عامل اکثریت حنفی و اقلیت ترک زبان در افغانستان (ازبیک‌ها و ترکمن‌ها) از بسترهای مهم سیاست هوشمند ترکیه در افغانستان است. در واقع حضور اقلیت ترک زبان موجب شده تا آنکارا با استفاده از این پتانسیل در راستای منافع ترکیه و برای قدرت بخشیدن هرچه بیشتر به ترکیه از اهرم‌های پایدار در نفوذ منطقه‌ای این کشور بنگرد. افزون بر آن حضور هوشمندانه آنکارا در کابل بر اساس بسط ژئوپلیتیک و گسترش دامنه هژمونیک نیز قابل تحلیل است. چنان که در ذیل سطوح هوشمندانه رفتار و عملکرد آنکارا در مسیر توسعه طلبانه نفوذ اش در افغانستان پیش از آن که رجوع به مبادی نستالوژیک ترکی-اسلامی و یا نظریات مرتبط در این باره اساس عمل و اولویت اقدام باشد چگونگی و میزان کنش، نوع کنش، مکان و میدان کنش برای ارتقاء جایگاه منطقه‌ای ترکیه در ذیل رهیافت‌های بین‌المللی مد نظر بود.

به عبارت دیگر، اگرچه می‌توان از حیث رویکرد هویت محور، تاریخی و ایدئولوژیک حضور ترکیه در افغانستان را با نظریات نو عثمانی‌گری اردوغان برای احیای قدرت عثمانی‌ها در قامت جمهوری ترکیه قابل تبیین و تحلیل دانست؛ چراکه این مؤلفه‌ها به‌عنوان گزاره‌های کلان با کارکردهای فراملی - فراژنادی - فرازبانی محتوای اصلی نوع عثمانی‌گری و هژمونی‌گرایی ترکیه را تشکیل می‌دهند؛ اما واقعیت ماجرا چیزی فراتر از آن است؛ چرا که اولویت‌های مبنایی ترکیه علیرغم نشانگان هویت محوری، تاریخی و ایدئولوژیک بر مبنای دولت محوری و متغیرهای عینی - ذهنی کسب منافع و تأمین و صیانت از آن سامان پیدا کرده است. از این رو در این مسیر گزاره‌های هویتی، تاریخی و ایدئولوژیک نیز به‌مانند دیگر گزاره‌های موجود نقش حمایتی و تسهیل‌گرا و انسجام‌بخش و تسریعی را دارا هستند.

بنابراین، علل عمده‌ای که ترکیه را به اتخاذ این سیاست در قبال حضور افغانستان واداشته بود «عبارت‌اند از نیاز به خروج از لاک درون سرزمینی به فرا سرزمینی در عرصه خارجی با شاخص‌های محیطی نزدیک و دور برای تأمین منافع، تعاریف هوشمندانه استفاده از دوگانه متغیر حضور فیزیکی - عینی و متافیزیکی - ذهنی و موفقیت روز افزون این راهبرد عملیاتی، پیوند شرایط داخلی به عرصه خارجی و پروژرسانی و متناسب سازی آن با واقعیات سیاست خارجی ترکیه، فرصت حضور در فعالیت‌های منطقه‌ای بنا بر شرایط موجود داخلی و خارجی، و بالاخره این که پیوست عملی و نظری جهت نفوذ گسترده‌تری در عرصه خارجی با پشتوانه تمام عیار داخلی» (مطهری، ۱۳۹۹)؛ (Motahary, 2019).

باتوجه به این تحلیل، ترکیه پس از ۲۰۰۱ همزمان سه هدف را در افغانستان دنبال می‌کرد: یکی بهبود بخشیدن منافع سیاسی، اقتصادی، تجاری و راهبردی؛ دوم ارتقای جایگاه و اعتبار کشور در نزد افکار عمومی مردم افغانستان و سوم افزایش سطح نفوذ و کنشگری. باور آنکارا این بود که ترکیه با توجه به قابلیت‌های فرهنگی که در سطح ملی دارد، می‌تواند در سطوح فراملی از جمله افغانستان نیز قلمرو قدرت نرم خود را گسترش دهد. داوود اوغلو با می‌گوید: «دیپلماسی نباید

مختص به دیپلمات‌ها باشد؛ بلکه شخصیت‌های آکادمیک و عموم جامعه نیز باید در این فرایند دخیل باشند» (داوود اوغلو، ۲۰۱۱: ۶۱۶)؛ (Davutoglu, 2011: 616). این حرف حاکی از آن است که استفاده از سیاست هوشمند از راهکارهای افزایش نفوذ و تعامل این کشور با کشورهای منطقه می‌باشد. از همین رو، آنکارا سیاست خود در قبال افغانستان را روی چهار محور استوار ساخته بود: (۱) حفظ ثبات سیاسی و وحدت ملی در این کشور؛ (۲) تقویت ساختارها و نهادهای سیاسی موجود؛ (۳) حمایت از ثبات وضعیت امنیتی افغانستان؛ (۴) بازگرداندن صلح و رفاه با از بین بردن تروریسم و افراط‌گرایی (واتکینز و شاران، ۲۰۲۱: ۱)؛ (Watkins and Sharan, 2021: 1). این چهار محور از نیازهای اساسی مردم افغانستان و در مطابقت با خواست‌های دولت افغانستان بود.

عوامل مؤثر بر هوشمندی حضور ترکیه در افغانستان			
عوامل داخلی افغانستان	عوامل داخلی ترکیه	عوامل مشترک هر دو کشور	عوامل بین‌المللی
<p>بهره‌گیری از جایگاه ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی، استفاده از پتانسیل‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه، هراس از برگشت مجدد بازیگران شبکه‌ای، رویکرد انفعالی رهبران افغان، نیاز کابل به همکاری ترکیه، بی‌طرفی نسبی ترکیه در تحولات نیم قرن اخیر افغانستان</p>	<p>ارزشمند جلوه دادن خود در ناتو، مدیریت تنش خود با غرب؛ نو عثمانی‌گری؛ رقابت با رقبای منطقه‌ای؛ ارتقای جایگاه در معادلات منطقه‌ای، نزدیک شدن به چین؛ پیگیری نگرش پان ترکیسم، ایفای نقش محوری در جهان اسلام و توسعه نفوذ سیاسی</p>	<p>ملاحظات ژئوپولیتیکی، منافع متقابل، نداشتن مرز مشترک و پیشینه‌ی منازعه، روحیه نسبتاً مثبت نسبت به یکدیگر، اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی، هم‌سویی منافع آنها با ایالات متحده</p>	<p>حملات القاعده بر آمریکا و بروز حادثه ۱۱ سپتامبر، شکل‌گیری اجماع جهانی برای مقابله با تروریسم، عضویت ترکیه در ناتو، حضور ایالات متحده در افغانستان و همراهی ترکیه با آن</p>

جدول ۳. الگوی تحلیلی شاخص‌های مؤثر بر هوشمندی سیاست ترکیه در افغانستان (۲۰۲۱-۲۰۰۱)

Figure 3. Analytical model of indicators affecting the intelligence of Türkiye's policy in Afghanistan (2001-2021)

منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۲)؛ (Authors, 2023)

بر اساس این الگو می‌توان عوامل مؤثر بر هوشمندی سیاست ترکیه در افغانستان را به صورت کلی در موارد زیر تلخیص کرد.

۱-۲-۴- عوامل داخلی افغانستان

پس از ۲۰۰۱ به دلیل منازعه و جنگ، افغانستان در وضعیت نابسامانی قرار داشت. این شرایط ایجاب می‌کرد در چارچوب سیاست درهای باز از ظرفیت‌های کشورهای دوست در زمینه‌های سیاست، اقتصاد و امنیت استفاده شود. از این منظر بهره‌گیری از جایگاه ترکیه در ناتو و دیگر سازمان‌های بین‌المللی؛ استفاده از ظرفیت‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، علمی و فرهنگی ترکیه، هراس از بازیگران شبکه‌ای و جلوگیری از مسلط شدن دوباره آنها بر افغانستان، رویکرد انفعالی، بی‌قاعده و

غیراستراتژیک رهبران سیاسی افغان در عرصه سیاست خارجی، بی‌طرفی نسبی ترکیه در خشونت‌های نیم قرن اخیر افغانستان، نیاز کابل به همکاری ترکیه در زمینه‌های سیاسی، میانجیگری، (Kalem, 2023) بازسازی و تأمین ثبات و امنیت و... از مؤلفه‌هایی به شمار می‌روند که زمینه جلوه‌نمایی راهبرد هوشمند ترکیه در افغانستان را مساعد ساخته بود.

۲-۲-۴- عوامل داخلی ترکیه

ترکیه پس از ۱۱ سپتامبر و در پاسخ به نیازهای جدید، از یک طرف به صورت قهرآمیز و در کنار ناتو وارد افغانستان شده بود و از جانب دیگر کنش‌های خود در افغانستان را طوری تنظیم کرده بود که در قالب سیاست هوشمند قابل تفسیر باشد. همچنان در جهت دستیابی به اهداف استراتژیک خود در فضای جدید بین‌المللی در صدد استفاده حداکثری از ظرفیت‌های افغانستان بود که پتانسیل بسیار خوبی را پیش روی سیاستمداران این کشور جهت چانه‌زنی بین‌المللی در راستای منافع راهبردی ترکیه قرار داده بود. بنابراین، ارزشمند جلوه دادن خود در ناتو، مدیریت تنش خود با غرب، (Güzeldere, 2022: 10) توسعه سیاست‌های نو عثمانی‌گری و دستیابی به مناطق تاریخی، فرهنگی و مذهبی، رقابت با کشورهای عربستان سعودی، ایران و روسیه، ارتقای جایگاه در معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی (YEŞİLTAS, 2022: 21)، نزدیک شدن به چین به عنوان قطب اقتصادی جهان، پیگیری نگرش پان ترکیسم و دستیابی به جغرافیای «جهان ترک»، ایفای نقش محوری در جهان اسلام، گسترش نفوذ سیاسی و... از عوامل حضور هوشمند آنکارا در افغانستان محسوب می‌شود.

۲-۳-۴- عوامل مشترک بین افغانستان و ترکیه

روند فزاینده همکاری میان آنکارا و کابل پس از ۲۰۰۱ نشان می‌دهد که هر دو کشور سعی کردند تا همدیگر را در رسیدن به اهداف و برنامه‌های خود در محیط داخلی و خارجی، همکاری کنند. این روند ناشی از تأثیرگذاری شاخص‌های مشترکی بود که بهره‌گیری از آن‌ها برای هر دو کشور مهم و مبرم تلقی شده بود. مسایل ژئوپلیتیکی (Seren, 2022: 12) منافع متقابل اقتصادی، تجاری و سرمایه‌گذاری، فقدان مرز مشترک و پیشینه منازعه؛ وجود روحیه نسبتاً مثبت میان هر دو کشور نسبت به یکدیگر، اشتراکات فرهنگی، قومی، زبانی، دینی و مذهبی (Aslan, 2022: 1) و همچنان همسویی منافع آنکارا و کابل با منافع آمریکا از عمده‌ترین این شاخص‌ها به شمار می‌روند. این عوامل همان گونه‌ای که در تأمین منافع ترکیه نقش داشتند، تأمین‌کننده منافع افغانستان نیز بودند. این وضعیت باعث شده بود تا هر دو کشور با تعریف کدهای هویت و منافع مشترک فرصت‌های همکاری را پدیدآورند. در چارچوب این رویکرد هر دو کشور سعی کردند تا از منابع مادی و توانایی اقتصادی یکدیگر و با همکاری مشترک بهره‌گیرند و با همگرایی و روابط حسنه با یکدیگر تعامل داشته باشند. این تعامل منجر به حضور هوشمند سیاست ترکیه در افغانستان گردید.

۲-۴-۴- عوامل بین‌المللی

پس از جنگ سرد، توازن استراتژیک سیستم دو قطبی قدرت بین دو ابر قدرت قاره ای برهم خورد و نظم نوینی در بهینه‌هستی نظام بین‌الملل پدید آمد. در این نظم - که رهبری آن به گونه‌ای انحصاری در اختیار ایالات متحده گرفت - جایگاه افغانستان و ترکیه، به دلیل قرار گرفتن در مدار مغایر با شرایط نظم نوین آمریکایی، در سیاست خارجی ایالات متحده کاهش یافت. حملات ۱۱ سپتامبر

بر ایالات متحده و تهاجم آمریکا بر افغانستان برای ترکیه یک فرآیند تنظیم مجدد جهت ارتقای موقعیت خود در دنیای جدید و برای افغانستان فرصتی استثنایی برای کسب موقعیت در جهان مدرن به شمار می‌رفت. بنابراین، حادثه یازدهم سپتامبر (۲۰۰۱)، شکل‌گیری اجماع جهانی برای مقابله با تروریسم بین‌المللی، حضور ناتو در افغانستان و عضویت ترکیه در این پیمان، حضور ایالات متحده در افغانستان و همراهی ترکیه با آن از عوامل بین‌الملل بودند که موجب اتخاذ سیاست هوشمند توسط ترکیه در افغانستان شده بود.

نتیجه‌گیری

سیاست هوشمند یکی از ابزارهایی است که امروزه دولت‌ها برای دستیابی به اهداف و ضرورت‌های استراتژیک خود به کار می‌برند. جلوه‌نمایی سیاست ترکیه در قبال افغانستان از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ در همین راستا قابل تعریف است. مؤلفه‌های این دیپلماسی که در چارچوب نظریه ژوزف نای بررسی شد، ترکیب خردمندانه و استفاده بهینه از منابع نرم، سخت و هوشمند سیاست می‌باشد. ترک‌ها در افغانستان هم حضور نظامی و امنیتی داشتند، هم مسایل ایدئولوژیک را پی‌گیری می‌کردند و هم پروژه‌های اقتصادی و برنامه‌های فرهنگی را به پیش می‌بردند. آنها با استفاده از این ابزار توانستند حضور هوشمندانه خود در افغانستان را عینیت بخشند.

فعالیت‌های آموزشی، علمی و خدماتی با محوریت گسترش زبان ترکی، فعالیت‌های تبلیغ دینی با محوریت اسلام سیاسی، فعالیت‌های تبلیغی هنری، با محوریت اشاعه موزیک، فیلم سینمایی، سریال‌های تلویزیونی فعالیت‌های اقتصادی با محوریت افزایش جذابیت کالاهای ساخت ترکیه (صادرات)، حضور نظامی با اهداف بشردوستانه و امنیتی، مشارکت در بازسازی افغانستان، نفوذ گسترده بر شخصیت‌های سیاسی این کشور، تماس‌های همزمان با دولت افغانستان و طالبان و میانجیگری میان آن‌ها، همکاری در زمینه‌های کشاورزی، حمل و نقل، ترانزیت، توسعه منابع بشری از عمده‌ترین شاخص‌های این دیپلماسی هوشمند به شمار می‌رود.

متغیرهای آمیخته با هویت و منفعت و شاخص‌هایی چون احتیاج و ضرورت کابل به همکاری آنکارا، بی‌طرفی نسبی این ترکیه در مسائل داخلی افغانستان، جایگاه ترکیه در سازمان‌های بین‌المللی و همچنان اورآسیاگرایی، منفعت‌گرایی، رقابت و جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای ترکیه از عواملی هستند که موجب تبارز جلوه‌های سیاست هوشمند آن در افغانستان شده بود. بدین ترتیب تحولات بین‌المللی پس از ۱۱ سپتامبر، نیاز شدید ترکیه به معیت از قدرت هژمون و عضویت این کشور در پیمان ناتو از مؤلفه‌های مؤثر بر هوشمندی سیاست آنکارا در قبال کابل محسوب می‌شود.

منابع فارسی

۱. آدمک، ل. (۱۳۴۹). تاریخ روابط سیاسی افغانستان از زمان امیر عبدالرحمن تا استقلال. ترجمه علی محمدزهما، کابل: مؤسسه نشر افغان کتاب.
۲. آرزو، ع. (۱۳۹۹). در سپهر سیاست خارجی: روابط دیپلماتیک افغانستان و ترکیه. ناشر:

- وزارت امور خارجه افغانستان. چاپ اول: انتشارات امیری.
۳. اقبال، ا. (۱۳۹۳). تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲. *فصلنامه مطالعات قدرت نرم*، ۴(۱۱)، ۴۸-۲۹.
 ۴. بارز، س. (۱۳۹۵). منطقه‌گرایی افغانستان در چهارچوب پروسه استانبول. ۲۲ اردیبهشت، در: <https://8am.af>
 ۵. باقری چوکامی، س. (۱۳۸۹). جنگ هوشمند، رویکرد اوباما در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران. *فصلنامه مطالعات سیاسی*، ۹(۳۵)، ۴۷-۴۳.
 ۶. بهروزلک، غ. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر. *پایگاه حوزه*، ۱(۲۰۹)، ۳۴-۵۶.
 ۷. پارسا، م. (۱۳۹۶). نفوذ ترکیه در حوزه امنیتی-پیرامونی ایران (۲). بررسی موردی افغانستان. ۷ مرداد، در: <https://www.ana.press/news/249006>
 ۸. تمنا، ف. (۱۳۹۳). سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاران منطقه‌ای. انتشارات احراری افغانستان-کابل.
 ۹. جعفری، ع.، جعفری، م.، و خاوری، م. (۱۳۹۵). جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی ترکیه با تأکید بر افغانستان در دوران اردوغان. *فصلنامه کاتب*، ۴(۶)، ۹۹-۱۳۰.
 ۱۰. داوود اغلو، ا. (۱۳۹۵). *عمق راهبردی: موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*. ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 ۱۱. دهشیری، م. (۱۳۹۳). *دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۱۲. سلحشور، خ. (۱۳۹۳). سرمایه‌گذاری ترکیه در افغانستان. *آوا پرس*، ۳ مرداد، در: <https://avapress.com/fa/184193>
 ۱۳. سلحشور، خ. (۱۳۹۷). پروژه‌های اقتصادی ترکیه در افغانستان. خبرگزاری آنا توتولی، تاریخ دسترسی ۳ مرداد، در: <https://www.aa.com.tr/fa/761781>
 ۱۴. شهیر، ع. (۱۳۹۷). روابط کابل-انکارا؛ نفوذ نرم ترکیه و تلاش‌ها برای افزایش نقش آفرینی در افغانستان. *خبرنما*، ۶ مهر، در: <https://www.khabarnama.net/blog/08/04/2018>
 ۱۵. شهیر، ع. (۱۳۹۵). *بند کجکی؛ گام بلند دوم تولید انرژی در افغانستان*. *خبرنما*، ۶ مهر، در: <https://kajaki-dam08/06/2016>
 ۱۶. فاضل، ف. (۱۳۹۹). عبدالرحمن پشاورى نماینده سیاسی ترکیه در افغانستان. *فصلنامه مطالعات استراتژیک*، مرکز مطالعات استراتژیک وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان. ۱(۱)، ۱۴۶-۱۳۴.
 ۱۷. فرهنگ، م. (۱۳۷۱). *افغانستان در پنج قرن اخیر*. جلد یکم. ناشر: انتشارات کابل.
 ۱۸. کوزه‌گر کالجی، و.، و سوری، ا. (۱۳۹۰). نقش و اهداف ترکیه در روند تحولات افغانستان: دلایل و پیامدها. پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱ مرداد در: <http://www.csr.ir/departments.aspx=2301>

۱۹. گل محمدی، و. (۱۳۹۸). برخورد نقش‌ها در خاورمیانه و تنش در روابط آمریکا و ترکیه. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲(۳)، ۱۳۴-۱۰۷.
۲۰. محسنی، ع.، جاودانی مقدم، م.، و حاجی، م. (۱۳۹۷). تحول پارادایمی مفهوم قدرت و امنیت در عصر جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*؛ ۸(۳)، ۹۹-۱۲۶.
۲۱. مرجانی نژاد، ا. (۱۳۹۴). اهداف سیاسی اقتصادی و فرهنگی ترکیه در افغانستان. *موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام*، ۱۴ دی، در: <https://iivwfs.com/turkey-political-cultural-goals-in-afghanistan/>
۲۲. مرجانی نژاد، ا. (۱۳۹۸). قدرت نرم ترکیه در آسیای مرکزی. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۵ دی مرداد، در: <https://peace-ipsc.org/fa>
۲۳. مرجانی نژاد، ا. (۱۳۹۶). اهداف سیاسی اقتصادی و فرهنگی ترکیه در افغانستان. ۴ مرداد، در: <https://jaraian.com/2-998121302>
۲۴. مطهری، م. (۱۳۹۹). سیاست‌گذاری‌های هوشمند و کاربردی ترکیه و حوزه نفوذ عربی. *ایران دیپلماسی*، ۲۲ خرداد در: <https://irdiplomacy.ir/fa/news/1999644/>
۲۵. موثقی گیلانی، ا.، و نیری، ه. (۱۳۸۹). اسلام میانه رو و دموکراسی در ترکیه. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۲(۵)، ۶۳-۳۳.
۲۶. وکیلی پوپلزایی، ع. (۱۳۷۹). *سفرهای غازی امان‌الله شاه*. ناشر: مرکز نشراتی میوند، چاپ دوم، کابل.
۲۷. واتکینز، ا.، و شاران، ت. (۲۰۲۱). نقش و اهمیت ترکیه در روند صلح افغانستان، ۱۵ مرداد، در: <https://afghanistan.fes.de.library.fes.de/pdf-files/bueros/kabul/17640.pdf>

English References

1. Aslan, Ö. (2022). A Déjà Vu All Over Again? Identifying and Explaining 'Change' in Turkey's Asia Policy. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, DOI:10.1080/19448953.2022.2037980
2. Bacik, G. (2006). Turkey and Pipeline Politics. *Turkish Studies*, 7(2), 293-306.
3. Güzeldere, E.E. (2022). *Turkey in Afghanistan: More than one Reason to Stay*. Publisher: Hellenic Foundation for European & Foreign Policy (ELIAMEP), Vasilis's Sofia's Ave., 10676. Athens. Greece. July 15 at: [https://www.eliamep.gr/wp-content/uploads/2022/07/Policy-paper-104-Gu`zeldere-Final.pdf](https://www.eliamep.gr/wp-content/uploads/2022/07/Policy-paper-104-Gu%27zeldere-Final.pdf)
4. Hajimineh, R., Dehghani, R., Mohammadkhani, F. (2021). Explaining Turkey's Cultural Diplomacy in Afghanistan during the AKP Era. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 1(11), 143-172.

5. Kalem, M. (2023). Türkiye Diplomatic Role in Resolving the Power Conflict in Afghanistan (Afganistan'da Güç Çatışmasının Çözümünde Türkiye'nin Diplomatik Rolü) – GASAM. Navember 3. At:<https://gasam.org.tr/turkiye-diplomatic-role-in-resolving-the-power-conflict-in-afghanistan/>
6. Kard. aş, Ş. (2013). Turkey's Regional Approach in Afghanistan: A Civilian Power in Action. *Center for Strategic Research*. April 1, at: <https://www.sam.gov.tr/en/papers/turkey-s-regional-approach-in-afghanistan-a-civilian-power-in-action>
7. Kardaş, Ş. (2012). *Understanding the Debate on Turkey's Involvement in Afghanistan*, Turkey: German Marshall Fund of the United States.
8. Nossel, S. (2004). Smart Power. *Foreign Affairs*, 83(2), 131-142.
9. Nye Jr., J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
10. Nye Jr., J. (2008). The Annals of the American academy of political and social science. *Public Diplomacy and Soft Power*, 616, 94-109.
11. Nye Jr., J., Landman Goldsmith, J. (2011). The Future of Power. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 64(3), 45-52.
12. Özcan, S. (2010). Turkish Foreign Policy Towards Afghanistan: 2009-2010. *Perceptions*, 15(3-4), 133-146. at: sam.gov.tr/pdf/perceptions/Volume-XV/autumn-winter2010/sevinc_alkan_ozcan.pdf.
13. Seren, M. (2022). Appreciating Turkey's Afghanistan Policy. *CIRSD*. at: <https://www.cirsd.org/en/horizons/horizons-winter-issue-Pdf>.
14. Shen, S. (2011). *US Smart Power Falts in Information Age: The Future of Power* by Joseph S. Nye, at: <https://www.oliverstuenkel.com/2011/07/26/book-review-the-future-of-power-by-joseph-nye-jr/>
15. Wilson, E. J. (2008). *Hard Power, Soft Power, Smart Power. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 110-124.
16. Yesiltas, M. (2013). The Transformation of the Geopolitical Vision in Turkish Foreign Policy. *Turkish Studies* 14(4), 661–687.

Turkish References

1. Kaya, G. (2019). *Türkiye Afganistan ilişkileri*, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Yalova: Yalova Üniversitesi.
2. Khumchany, S. (2019). *Türkiye Afganistan ilişkileri, (1991-2014)*, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Edirne: Trakya Üniversitesi.

3. Özel, C. (2018). *Afganistan 'ın yeniden inşasında Türkiye 'Nin yumuşak güç stratejisi. Basılmamış Doktora Tezi*, Malatya: İnönü Üniversitesi.

Translated References to English

1. Adamak, L. (1971). *History of Political Relations of Afghanistan from the time of Amir Abdul Rahman to Independence*, Taranslation by Ali Mohammad zahma, Publisher: Afghan Book Publishing Company, Kabul. **(In Persian)**
2. Arezo, A. (2019). *in the sphere of foreign policy: diplomatic relations between Afghanistan and Turkey*. Publisher: Ministry of Foreign Affairs of Afghanistan. First edition: Publishers Amiri. **(In Persian)**
3. Aslan, Ö. (2022). A Déjà Vu All Over Again? Identifying and Explaining 'Change' in Turkey's Asia Policy. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, DOI:10.1080/19448953.2022.2037980
4. Bacik, G. (2006). Turkey and Pipeline Politics. *Turkish Studies*, 7(2), 293-306.
5. Bagheri Choukami, S. (2009). Smart war, Obama's approach in dealing with Iran's nuclear program, *Political Studies Quarterly*, 9, (35),34-47. **(In Persian)**
6. Bariz, S. (2016). Afghanistan's regionalism in the framework of the Istanbul process. Publication date: Wednesday, IISS May 22, at: <https://8am.af>. **(In Persian)**
7. Behrouzlek, G. (2006). Political Islam and Contemporary Islamists, *Howzah Database*, 1, (209), 34-56. **(In Persian)**
8. Davutoglu, A. (2015). *Strategic depth: Turkey's position in the international scene*. Translation: Mohammad Hossein Nuhinejad Mamqani. **(In Persian)**
9. Dehshiri, M. (2013). *Cultural Diplomacy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. **(In Persian)**
10. Fazil, F. (2019). Abdul Rahman Peshawari, Turkey's political representative in Afghanistan, *Journal of Strategic Studies*, Center for Strategic Studies of the Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Afghanistan.1 (1). 134-146. **(In Persian)**
11. Golmohammadi, V. (2018). Clash of Roles in the Middle East and Tension in US-Turkey Relations, *Strategic Studies Quarterly*, 2 (3),107-134. **(In Persian)**
12. Güzeldere, E.E. (2022). *Turkey in Afghanistan: More than one Reason to Stay*. Publisher: Hellenic Foundation for European & Foreign Policy (ELIAMEP), Vasilis's Sofia's Ave., 10676. Athens. Greece. July 15 at: https://www.eliamep.gr/wp-content/uploads/2022/07/Policy-paper-104-Gu_zeldere-Final.pdf

13. Hajimineh, R., Dehghani, R., Mohammadkhani, F. (2021). Explaining Turkey's Cultural Diplomacy in Afghanistan during the AKP Era. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 1(11), 143-172.
14. IISS, April 11, at: <https://afghanistan.fes.de.library.fes.de/pdf/files/bueros/kabul/17640.pdf>. **(In Persian)**
15. Iqbal, I. (2013). Analyzing Turkey's Soft Power Components from 2002 to 2012. *Soft Power Studies Quarterly*, 4, (11), 29-48. **(In Persian)**
16. Jafari, A., Jafari, M., & Khavari Hekmat, M. (2016). The position of public diplomacy in Turkey's foreign policy with an emphasis on Afghanistan during Erdoğan, *Katib scientific and research magazine*, 4, (6), 99-130. **(In Persian)**
17. Kalem, M. (2023). Türkiye Diplomatic Role in Resolving the Power Conflict in Afghanistan (Afganistan'da Güç Çatışmasının Çözümünde Türkiye'nin Diplomatik Rolü) – GASAM. November 3. At: <https://gasam.org.tr/turkiye-diplomatic-role-in-resolving-the-power-conflict-in-afghanistan/>
18. Kard. aş, Ş. (2013). Turkey's Regional Approach in Afghanistan: A Civilian Power in Action. *Center for Strategic Research*. April 1, at: <https://www.sam.gov.tr/en/papers/turkey-s-regional-approach-in-afghanistan-a-civilian-power-in-action>
19. Kardaş, Ş. (2012). *Understanding the Debate on Turkey's Involvement in Afghanistan*, Turkey: German Marshall Fund of the United States.
20. Kaya, G. (2019). *Turkey-Afghanistan relations*, (Unpublished Master Thesis), Yalova: Yalova University. **(In Persian)**
21. Kaya, G. (2019). *Türkiye Afganistan ilişkileri*, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Yalova: Yalova Üniversitesi. **(In Turkish)**
22. Khumchany, S. (2019). *Turkey Afghanistan relations (1991-2014)* (Unpublished Master Thesis), Edirne: Trakya University. **(In Persian)**
23. Khumchany, S. (2019). *Türkiye Afganistan ilişkileri, (1991-2014)*, (Basılmamış Yüksek Lisans Tezi), Edirne: Trakya Üniversitesi. **(In Turkish)**
24. Kozegar K., W., & Suri, A. (2012). Turkey's role and goals in the process of Afghanistan's transformations: reasons and consequences. IISS, March 4 at: <http://www.csr.ir/departments.aspx=2301>. **(In Persian)**
25. Marjanejad, A. (2016). Turkey's political, economic and cultural goals in Afghanistan. IISS, July 7 at: <https://jaraiian.com/998121302-2>. **(In Persian)**

26. Marjaninejad, A. (2014). Turkey's political, economic and cultural goals in Afghanistan. IISS, January 4, at: <https://iivfs.com>. **(In Persian)**
27. Marjaninejad, A. (2019). Turkey's soft power in Central Asia. Siptamber 4, at: <https://peace-ipsc.org/fa>. **(In Persian)**
28. Mohseni, A., Javadani Moghadam, M., & Haji, M. (2017). Paradigmatic evolution of the concept of power and security in the era of globalization and its effect on the national security of the Islamic Republic of Iran, *Islamic World Political Research Quarterly*, 3 (8), 99126. **(In Persian)**
29. Motahari, M. (2019). Smart and practical policies of Turkey and the sphere of Arab influence. IISS, June 22, at: <https://irdiplomacy.ir/fa/news/1999644/>
30. Mothaghi Gilani, A., & Niri, M. (2009). Quarterly, "Moderate Islam and Democracy in Turkey. *Political and International Research*. 2 (5). 33-63 **(In Persian)**
31. Nossel, S. (2004). Smart Power. *Foreign Affair*, 83(2), 131-142.
32. Nye Jr., J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*, New York: Public Affairs.
33. Nye Jr., J. (2008). The Annals of the American academy of political and social science. *Public Diplomacy and Soft Power*, 616, 94-109.
34. Nye Jr., J., Landman Goldsmith, J. (2011). The Future of Power. *Bulletin of the American Academy of Arts and Sciences*, 64(3), 45-52.
35. Özcan, S. (2010). Turkish Foreign Policy Towards Afghanistan: 2009-2010. *Perceptions*, 15(3-4), 133-146. at: sam.gov.tr/pdf/perceptions/Volume-XV/autumn-winter2010/sevinc_alkan_ozcan.pdf.
36. Özel, C. (2018). *Afganistan 'ın yeniden inşasında Türkiye 'Nin yumuşak güç stratejisi. Basılmamış Doktora Tezi*, Malatya: İnönü Üniversitesi. **(In Turkish)**
37. Parsa, M. (2016). Turkey's influence in Iran's security-environment field (2); Afghanistan case study. IISS, April 10, at: <https://www.ana.press/news/249006>. **(In Persian)**
38. Selahshur, K. (2013). Turkey's investment in Afghanistan, publisher: Anatolia news agency. IISS, May 4, at: <https://avapress.com/fa/184193/>. **(In Persian)**
39. Seren, M. (2022). Appreciating Turkey's Afghanistan Policy. *CIRSD*. at: <https://www.cirsd.org/en/horizons/horizons-winter-issue-Pdf>.
40. Shaheer, A. (2018). Kabul-Ankara relations; Türkiye's soft influence and efforts to increase role-playing in Afghanistan. IISS, September 6 at: <https://www.khabarnama.net/blog>. **(In Persian)**

41. Shahir, A. (2015). Kajaki District; The second-long step of energy production in Afghanistan. IISS, August 4, at: <https://khabarnama.net/blog/2016/06/08/kajaki-dam>. **(In Persian)**
42. Shen, S. (2011). *US Smart Power Falters in Information Age: The Future of Power* by Joseph S. Nye, at: <https://www.oliverstuenkel.com/2011/07/26/book-review-the-future-of-power-by-joseph-nye-jr/>
43. Tamna, F. (2014). *Afghanistan's foreign policy in the field of regional cooperation*. Ahrari Publishing House of Afghanistan-Kabul. **(In Persian)**
44. Wakili Popelzaei, A. (1999). *The Travels of Ghazi Amanullah Shah*, Publisher: Mayvand Publishing Center, second edition, Kabul. **(In Persian)**
45. Wilson, E. J. (2008). *Hard Power, Soft Power, Smart Power. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science*, 616(1), 110-124.
46. Yesiltas, M. (2013). The Transformation of the Geopolitical Vision in Turkish Foreign Policy. *Turkish Studies* 14(4), 661–687.

